



بررسی مولفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی

در منظومه فکری مقام معظم رهبری

سیدعلی طباطبائی نسب^۱، مجتبی خندان^۲

۳۵

دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۵

زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۲۸

صص: ۴۳۰-۴۱۳

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۳۸۱-۲۷۱۷



چکیده

پیشرفت سیاسی از منظر مقام معظم رهبری آیت الله العظمی امام سید علی خامنه ای، فرایندی ارزش محور در جهت ارتقای کارآمدی نظام سیاسی، تحقق عدالت، گسترش مشارکت مردمی و حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر رهبرانقلاب و شناسایی موانع تحقق آن انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و بیانات مقام معظم رهبری به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد مردم‌سالاری دینی، عدالت، قانون‌مداری، کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق‌مداری و مشارکت سیاسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت سیاسی هستند. همچنین افزایش اعتماد عمومی، پاسخگویی مسئولان، تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام ملی، ارتقای مشروعیت سیاسی و صیانت از استقلال کشور از مهم‌ترین شاخص‌های آن به شمار می‌روند. افزون بر این، فساد، بی‌عدالتی، ناکارآمدی مدیریتی، کاهش مشارکت مردمی و فاصله گرفتن از ارزش‌های اسلامی از مهم‌ترین موانع تحقق پیشرفت سیاسی محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، پیشرفت سیاسی، شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، عدالت، تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای مشروعیت سیاسی، مردم‌سالاری دینی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

0384863132@iaui.ir

۲. سطح ۴ حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران

۱. مقدمه

پیشرفت سیاسی یکی از مهم‌ترین ابعاد پیشرفت جوامع است که تحقق آن زمینه‌ساز افزایش کارآمدی نظام سیاسی، استقرار عدالت، گسترش مشارکت آگاهانه مردم، تقویت سرمایه اجتماعی و حفظ استقلال و امنیت ملی خواهد بود. در اندیشه اسلامی، پیشرفت سیاسی صرفاً به توسعه ساختارهای حکومتی یا افزایش قدرت سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه مفهومی ارزش‌محور است که بر پایه عدالت، مردم‌سالاری دینی، قانون‌مداری، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شکل می‌گیرد. از این رو، شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی، یکی از نیازهای اساسی برای تبیین الگوی حکمرانی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران است. آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، در بیانات و آثار خود به‌صورت گسترده به مباحثی همچون عدالت، کارآمدی، مردم‌سالاری دینی، استقلال، مبارزه با فساد، مشارکت مردمی و حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند؛ اما این مباحث در منابع مختلف پراکنده است و تاکنون چارچوبی جامع که مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی را به‌صورت منسجم استخراج و تبیین کند، کمتر ارائه شده است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناسایی، طبقه‌بندی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و ارائه الگوی منسجم از این دیدگاه است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند و این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها چگونه می‌توانند چارچوبی منسجم برای تبیین الگوی پیشرفت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند؟

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که پیشرفت سیاسی یکی از ارکان تحقق حکمرانی مطلوب و توسعه همه‌جانبه جامعه اسلامی به شمار می‌رود. سیاست‌گذاران و مدیران برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و ارزیابی عملکرد، نیازمند شاخص‌های روشن و مبتنی بر مبانی فکری نظام اسلامی هستند. از سوی دیگر، دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره پیشرفت سیاسی در آثار و بیانات مختلف پراکنده بوده و تاکنون کمتر در قالب الگوی جامع و منسجم ارائه شده است. بنابراین، استخراج و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر ایشان می‌تواند علاوه بر غنای ادبیات نظری، مبنایی برای سیاست‌گذاری، ارزیابی عملکرد و طراحی الگوی حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد.

در حوزه اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های متعددی در قالب پایان‌نامه و مقاله انجام شده است که هر یک بخشی از ابعاد اندیشه سیاسی ایشان را بررسی کرده‌اند؛ باین حال، پژوهشی که به‌طور مستقل به تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر ایشان پردازد، کمتر مشاهده می‌شود.

۱- صفایی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جهت‌دهی به تحولات فکری - سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی، اصول‌گرایی و تبیین معیارهای انقلاب اسلامی از مهم‌ترین محورهای اندیشه سیاسی ایشان به شمار می‌رود. باین حال، این پژوهش به استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی پرداخته است.

۲- آذرطوس، عالیہ (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «رسالت حکومت از دیدگاه امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای»، اهداف و رسالت حکومت اسلامی را از منظر این دو اندیشمند بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدالت، امنیت، آزادی، تعالی فرهنگی و تأمین معیشت از مهم‌ترین رسالت‌های حکومت اسلامی هستند. با وجود ارتباط موضوع با حکمرانی، این پژوهش به شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیشرفت سیاسی به‌صورت مستقل پرداخته است.

۳- راضی رستاقی، حمید (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حل چالش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مقطع تاریخی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰»، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که مدیریت هوشمندانه، تبیین مبانی انقلاب اسلامی و تقویت انسجام ملی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در مواجهه با چالش‌های سیاسی بوده است؛ باین حال، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی به‌عنوان یک الگوی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است.

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار با رویکردی منسجم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای از مجموعه بیانات، آثار و رهنمودهای ایشان استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل می‌شود. همچنین پژوهش حاضر با تفکیک مفهومی میان «مؤلفه‌ها» و «شاخص‌ها» و تبیین ارتباط آن‌ها با موانع تحقق پیشرفت سیاسی، چارچوبی منظم برای فهم و ارزیابی پیشرفت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای مطالعات بعدی و سیاست‌گذاری در حوزه حکمرانی اسلامی باشد.

۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. پیشرفت

پیشرفت به معنای جلو رفتن و ارتقا (معین، ۱۳۸۶، ۱۷۸) و حرکتی آگاهانه، هدفمند و مبنادار مبتنی بر دانش و معرفت نظام‌مند، برنامه‌ریزی شده، تکاملی، دارای دو بُعد مادی و معنوی و مداوم باشد تا انسان و جامعه به مقصد نهایی خود برسد. (مارک، ۱۳۷۴، ۱۲۸) پیشرفت، امر حادثی است که به چهار علت ۱. مادی؛ ۲. صوری؛ ۳. فاعلی و ۴. غایی نیاز دارد. (لکزایی و سنقری، ۱۳۹۴، ۸۶) وجود این علل در کنار یکدیگر، باعث زایش پیشرفت سیاسی می‌شود که بر پایه آموزه‌های اسلامی به سعادت انسان و جامعه منجر می‌گردد. (داستانی بیرکی، ۱۳۸۱، ۱۳۹) در نظام سیاسی نهادها و کارگزاران به عنوان علت فاعلی، شکل حکومت به مثابه علت صوری، هدف حکومت به عنوان علت غایی و انسان به مثابه علت مادی هستند. (شیرازی، ۱۳۸۰، ۱۳۱)

۲-۲. پیشرفت سیاسی

پیشرفت سیاسی از واژگان ابداعی آیت الله خامنه‌ای است. ایشان پیشرفت را به معنای کامل‌تر از توسعه دانسته است؛ زیرا توسعه تنها به رشد و گسترش اشاره دارد؛ ولی پیشرفت مفاهیم و متغیرهای گوناگونی را در برمی‌گیرد. ایشان دیدگاه سیستمی به پیشرفت سیاسی دارند؛ به عبارتی، لازمه دستیابی به دستیابی به پیشرفت سیاسی تلاش برای تحقق پیشرفت در سایر حوزه‌هاست. وی پیشرفت را پدیده‌ای فراگیر، همه جانبه، ذوابعاد دانسته است. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در درک سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی است. نظریه پیشرفت سیاسی، فرایندی است مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و در ارتباط با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که در طی یک مسیر بلندمدت و بر اساس گفت‌وگوسازی، مدیریت مکتب، فرهنگ، هویت و عقلانیت شکل می‌گیرد. هدف این فرایند، دستیابی به نظام سیاسی کارآمد و شکل‌گیری جامعه‌ای تحول‌خواه است. نظام سیاسی کارآمد، نظامی است که بر پایه عدالت‌محوری، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و نظارت بنا شده باشد. در مقابل، جامعه تحول‌خواه نیز باید بر اصول آزادی و برابری سیاسی و اجتماعی، اعتقادی، نقش‌آفرینی احزاب و سازمان‌های غیر دولتی و همچنین محوریت معنویت و اخلاق استوار باشد. (نظری، ۱۴۰۲، ۲۱۲-۲۱۷)

۳. بررسی مولفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت سیاسی

۳-۱. جامعه پویا و تحول‌خواه

جامعه پویا و تحول‌خواه جامعه‌ای اطلاق می‌شود که همیشه به فکر پیشرفت مادی و معنوی است، آیت الله خامنه‌ای جامعه تحول‌خواه را در ابعاد گوناگون توصیف می‌کند، تحول در خواست‌ها، تحول هویتی، تحول در مبانی معرفتی و ... (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴) برخی از ویژگی‌های جامعه تحول‌خواه شامل موارد زیر می‌گردد:

۳-۱-۱. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در اجتماع

رابطه آزادی فردی و نظام ولایی به عنوان هسته اصلی حق و تکلیف از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. اکثر محققان در رابطه با ولایت و آزادی بهار رابطه متصور شده‌اند که ناشی از برداشت آنان از فقه سیاسی است. در دیدگاه اول، برای فقها وظیفه اجتماعی-سیاسی قائل نمی‌شوند. و اصولاً بحث آزادی و ولایت طرح نمی‌شود چرا که پذیرفته نشده است. در دیدگاه دوم و سوم، ولایت در امور حسیه و ولایت در فتوا و قضاوت نیز چندان ناسازگاری میان آزادی و ولایت پدید نمی‌آید چرا که اولاً در مفهوم ولایت، وجه سیاسی آن برجسته نگردیده است و اختیارات و گسترده ولایت نیز محدود به امور خاصی است. در حالیکه در دیدگاه چهارم، ناسازگاری زیادی بین این دو مفهوم دیده می‌شود. از دیدگاه چهارم، سه قرائت عمده شکل گرفته است. در این سه قرائت با توجه به اینکه اولاً وجه سیاسی مفهوم ولایت برجسته می‌شود و ثانیاً گستره ولایت وسیع‌تر طرح می‌گردد، ناسازگاری میان آزادی و ولایت جدی‌تر نمایان می‌گردد. با اشاره به مبانی کلامی مختلف به عنوان مفروضات قرائت‌های مذکور و تاثیر آنان بر شکل‌گیری قرائت‌ها و دیدگاه‌های مذکور، در بررسی رابطه آزادی و ولایت تلاش طرفداران آنها در حل ناسازگاری و معمای آزادی و ولایت مورد بررسی قرار گرفت. (میر احمدی، ۱۳۸۸، ۷۵-۱۰۷) در رابطه با حدود آزادی شخص در نظام ولایی اندیشمندان اسلامی معتقدند آزادی یک فرد تا آنجا اعمال می‌شود که به آزادی دیگران ضربه نزند و همچنین آزادی‌هایی که محیط را فاسد می‌کند و زمینه‌ها را برای رشد و فساد در جامعه آماده می‌کند، این آزادی‌ها هم در نظام اسلامی گرفته می‌شود. (حقیقت، ۱۳۸۴، ۹۳)

آیت الله خامنه‌ای معتقد است که آزادی در اراده الهی ریشه دارد و قید و بندهای خارجی و اسارت‌های اجتماعی عارضی هستند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۴/۱/۳۰) آزادی به دلیل اصالت الهی در فطرت و

طبیعت انسانی ریشه دارد و جزء حقوق اساسی همه انسان‌هاست و قابل سلب نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵) خداوند تأمین این حق فطری را بر انسان‌ها به صورت تشریعی واجب کرده است به طوری که هم بر انسان‌ها واجب است حق آزادی خود را مطالبه و محافظت کنند و هم بر دیگران حرام است که این حق را از سایرین سلب نمایند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۶/۱) تأمین و تحقق آزادی واقعی انسان‌ها تنها در سایه دین امکان‌پذیر است. اسلام ملازم با آزادی است، به گونه‌ای که هیچ کدام بدون دیگری قابل تصور نیست اسلام منهای آزادی اسلام واقعی نیست و آزادی در غیر اسلام توهم است. آزادی از اساسی‌ترین مبانی انتخاب انسان است به طوری که بدون آزاد ا آزادی انتخابی برای انسان در زندگی فردی و اجتماعی باقی نمی‌ماند. آنچه در دنیای معاصر به نام آزادی مطرح شده بخش کوچک و تحریف‌شده‌ای از آزادی است. بنابراین آزادی از نظر ایشان از پدیده‌های مهم، پیچیده و چند ضلعی است که باید به صورت واحد ارزش‌گذاری بشود. با این تفاوت که ابعاد درونی آزادی بیشتر مورد توجه قرار دارند و بالطبع موانع آزادی درونی از موانع بیرونی تأثیرگذارتر است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) از مصداق‌های این آزادی به آزادی فکری و فرهنگی، آزادی از خرافات و جهالت‌ها، آزادی از تعصب‌های جاهلانه و کج‌فکری‌ها اشاره شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۲)

شاخص‌هایی چون آزادی‌های مشروع، عدالت‌محوری، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و نظارت، مشارکت مدنی، برابری سیاسی و اخلاق‌مداری مطرح است که در قالب نظامی کارآمد، پیشرفت سیاسی را رقم می‌زند.

۲-۱-۳. نقش مشارکتی مردم در پیشرفت سیاسی

آیت الله خامنه‌ای مشارکت سیاسی، نوعی فعالیت ارادی و داوطلبانه با اهداف و انگیزه‌های الهی است که از طریق آن، شهروندان یک جامعه در امور سیاسی و اجتماعی خود بر اساس وظیفه، با همدلی و همراهی شرکت می‌کنند. آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، حمایت‌جویانه یا رقابت‌آمیز، در شکل دادن به حیات سیاسی و اجتماعی خویش سهیم می‌شوند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۹/۱۲) در واقع، مشارکت سیاسی به معنای احساس تعلق به جامعه، درگیر شدن، سهیم شدن و همکاری در فرآیندهای سیاسی است که به گزینش نوعی حکومت، ساختارها و رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست‌های عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن‌ها اثر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که در فرآیند اداره جامعه از برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و نظارت در راستای دستیابی به اهداف آن جامعه حضور مؤثری دارد. از این نظر، مشارکت،

فرآیندی سازمان یافته است که شهروندان در آن به فعالیتی ارادی و داوطلبانه دست می‌زنند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳)

برای سنجش عینی مشارکت سیاسی، شاخص‌هایی چون بصیرت و آگاهی، نظارت همگانی، حضور فعال و تکلیف‌مدار، همگامی با آرمان‌ها و پشتیبانی مردمی مطرح است.

۳-۱-۳. حقوق اجتماعی و سیاسی زنان

زن و مرد هر کدام عنصری از سیستم کلان جامعه هستند و مجموعه‌های بزرگتری زیرمجموعه آن سیستم کلان محسوب می‌شوند. آن‌ها با ویژگی‌های خاصی چون شعور، عاطفه، اراده و عملکرد زنانه، نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با عنصر خود را ایفا می‌کنند. (خادمی، ۱۳۹۸، ۲۷۳-۲۶۵) از نظر حقوق انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نیست، زیرا هر دو انسان هستند و زن نیز همچون مرد، حق دخالت در سرنوشت خویش را دارد؛ هرچند در برخی موارد، تفاوت‌هایی میان زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط دارد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۳۶۴) در بحث حقوق زنان، امام خمینی معتقد است که آزادی شخصی، حق اولیه انسان است و حکومت دینی باید آن را تأمین کند. از جمله مواردی که ایشان به آن‌ها اشاره کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: زندگی؛ آزادی در خوردن و آشامیدن؛ آزادی در رفت‌وآمد؛ امنیت جانی، شغلی، مالی و حیثیتی؛ احقاق حقوق و تساوی زن و مرد در برابر قانون؛ حق دفاع از خود. (منتظر قائم، ۱۳۸۱، ۱۲۷) از نظر اسلام، زنان نقشی حیاتی در بنای جامعه اسلامی دارند. اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد، از «شیء بودن» بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، مسئولیت‌هایی را در ساختار حکومت اسلامی بر عهده بگیرد. اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء یا عروسک در دست باشد، بلکه می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که زنان صرفاً شیئی برای مرد یا ابزاری برای هوس باشند. در جمهوری اسلامی، زنان در تحصیل و سایر امور آزاد خواهند بود. اسلام نه تنها با آزادی زن موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی اوست. (خامنه‌ای، ۱۳۵۷/۸/۱۹)

برای سنجش عینی این مولفه، می‌توان به شاخص‌هایی چون نسبت زنان در مناصب مدیریتی و نمایندگی مجلس که نشان‌دهنده‌ی تحقق مسئولیت‌پذیری در ساختار حکومت است، نرخ اشتغال زنان

تحصیل کرده در مشاغل علمی، قضایی و اجرایی، و میزان امنیت جانی، شغلی، مالی و قضایی زنان در جامعه است، اشاره کرد.

۴-۱-۳. وجود احزاب و سازمان‌های غیر دولتی

موضوع حزب، یکی از دغدغه‌های همیشگی آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. در یک تقسیم‌بندی ایشان در سلک علمایی قرار می‌گیرند که وجود احزاب گوناگون در فضای سیاسی کشور را بر اساس موازین قانون اساسی و در چهارچوب آن، به رسمیت می‌شناسند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴). آیت‌الله خامنه‌ای دیدگاهی ویژه‌ای برای سازماندهی نیروهای انقلابی جهت فعالیت در عرصه‌های گوناگون کشور دارند؛ دیدگاهی که بر اساس آن، حزب عبارت است از تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت آرمان‌هایی ایفا می‌کند. ایشان همچنان کار حزبی را یکی از ضرورت‌ها می‌دانند، به‌ویژه برای نیروهایی که دل‌بسته به اهداف انقلاب هستند؛ چرا که برای تحقق این اهداف، قطعاً باید به کوشش‌های صحیح حزبی رو آورد (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۲۱) از نظر ایشان، حزب مطلوب به این گونه به وجود می‌آید که مجموعه‌ای از صاحبان فکر (سیاسی، اعتقادی یا ایمانی) گرد هم می‌آیند و تشکیلی تشکیل می‌دهند؛ سپس میان خود و آحاد مردم کانال‌سازی کرده و مردم را با خود همراه می‌کنند تا افکار و دیدگاه‌های خود را به آن‌ها منتقل کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

برای شاخص این مورد در عرصه حزب، مؤلفه‌هایی چون داشتن مبانی فکری و اعتقادی مشخص به عنوان هویت حزب، کانال‌سازی برای ارتباط با آحاد مردم و انتقال افکار، فعالیت در چارچوب قانون اساسی و موازین شرعی، کارشناسی و صاحب‌نظر بودن اعضا در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، هدف‌گرایی در راستای آرمان‌های انقلاب، انضباط و سازماندهی منسجم، و نیز پاسخگویی نسبت به عملکرد و برنامه‌های خود مطرح است.

۲-۳. نظام سیاسی کارآمد

یکی از شاخص‌های مهم در تحلیل نظام‌های سیاسی، کارآمدی است. این اصطلاح در زبان فارسی به مفاهیمی چون اثربخشی، سودمندی، کارایی و فایده ترجمه شده است. (جعفری، ۱۳۷۷، ۱۴۳) اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی، این اصطلاح به معنای اثربخشی، توانایی، قابلیت، کفایت و لیاقت است. در برخی تعاریف، کارآمدی با کارایی مترادف گرفته می‌شود و به معنای قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده است. سنجش

میزان کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد هدف با مقدار کیفیتی است که عملاً به دست آمده است. (آقابخشی، ۱۳۷۹، ۴۴۶) از سوی دیگر، در تفکیک اقتصادی، میان کارآمدی و کارایی تمایز وجود دارد؛ در اقتصاد، کارایی به معنای استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید، و یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است. (رضائیان، ۱۳۹۸، ۱۲۳).

نظام سیاسی کارآمد، نظامی است که بتواند بهترین عملکرد را در حوزه سیاست‌ورزی و مدیریت حکومت به کار بگیرد. حکمرانی خوب مشروط به داشتن خروجی‌های خوب، مستمر و کارآمد برای مردم است. در حکمرانی خوب، هدف حکومت، به حداکثر رساندن رفاه عمومی، تأمین رضایت مادی و معنوی شهروندان و حمایت از حقوق بنیادین آن‌هاست. هر حکومتی که در تحقق این اهداف موفق شود، حکومتی کارآمد و اثربخش تلقی می‌گردد. (بشیریه، ۱۳۸۹، ۴۷۸) کارایی و اثربخشی یک حکومت، به توانایی آن در قانون‌گذاری، قضاوت و اتخاذ تصمیمات مدیریتی در چارچوب عدالت و قانون‌مندی بستگی دارد. علاوه بر این، چگونگی ارائه خدمات عمومی به همگان، نشان‌دهنده صلاحیت و شایستگی کارگزاران است. در فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، وظیفه اصلی تبدیل گفتار نیک به کردار نیک و اقدامات خوب و اعمال صالح است. برای تحقق این مهم، باید دولتی داشت که دولت کار و عمل باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۶).

مقوله کارآمدی نظام بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها دانسته و بین مشروعیت و کارآمدی پیوند برقرار می‌کند. آیت الله خامنه‌ای مشروعیت همه مسئولان کشور را به کارآمدی آنان در انجام دادن وظایف قانونی وابسته دانستند و تأکید می‌کند ضمن استقرار کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روش‌ها، حرکت به سوی اهداف پیش‌بینی شده را با عزم راسخ ادامه می‌دهیم. از هیچ کس انتظار معجزه نمی‌رود، اما در عمل کردن همه مسئولان باید کارآمدی و نشانه‌های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله آشکار و ملموس باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ۷۲-۶۵).

۱-۲-۳. عدالت محوری

بهترین معیار برای سنجش موفقیت و کارآمدی یک حکومت، میزان تحقق عدالت در عرصه‌های مختلف جامعه است. عدالت زمانی محقق می‌شود که حکومت در تمامی امور، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها را رعایت کرده، تبعیض‌های ناروا را از میان بردارد و در مواردی که اصل مساوات اقتضا می‌کند، حقوق

افراد را به طور برابر تضمین نماید. همچنین، در مواردی که تفاوت در حقوق و امتیازات بر پایه صلاحیت، شایستگی و استحقاق افراد است، حقوق متناسب با توانایی‌ها و ظرفیت‌های آنان را رعایت کند. در چنین نظامی، فرصت‌های رشد، پیشرفت و شکوفایی استعدادها به صورت برابر برای همگان فراهم می‌شود تا هر فرد متناسب با استعداد، توانایی و تلاش خود از امکانات و فرصت‌ها بهره‌مند گردد. در نتیجه، حق هر فرد بدون تبعیض به او اعطا شده، هر چیز در جایگاه شایسته خود قرار می‌گیرد و از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی نسبت به افراد و امور جلوگیری می‌شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۷، ۲۴۳).

برای سنجش عینی این مقوله، شاخص‌هایی چون رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در همه امور، رفع تبعیض‌های ناروا، تأمین برابری در موارد اقتضای مساوات، اعطای حقوق متناسب با توانایی و تلاش هر فرد، فراهم کردن فرصت‌های رشد و شکوفایی برابر برای همگان، جلوگیری از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی در توزیع امکانات مطرح است.

۲-۲-۳. قانون‌گرایی

شاید بتوان معروف‌ترین و کامل‌ترین بیان مدرن از مفهوم حاکمیت قانون را مفهوم تبیین شده به وسیله دایسی دانست. از نظر دایسی به تعریف کلاسیک از حاکمیت قانون وجود دارد که عبارتند از: ۱- حکومت باید مطابق قواعد عام عمل کند، ۲- همه شهروندان در برابر قانون برابرند، ۳- اصول بنیادین قانون اساسی، نتیجه تصمیمات قضایی مربوط به حقوق فردی بر مبنای قانون عرفی است. (دایسی، ۱۹۲۷، مقدمه‌ای بر مطالعه حقوق اساسی، چ هشتم، صص ۱۸۳-۲۰۵ ص ۸۹) برقراری نظام حکمرانی حقوق نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی‌های بی‌طرفانه برخوردار است. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد، خصوصاً حقوق محرومان محافظت به عمل آید. اجرای این گونه قوانین در یک فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انصاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است. این که تا چه میزان قانون در یک جامعه واقعی هستن و می‌تواند به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود.

شاخص‌هایی چون حاکمیت قواعد عام و شفاف، برابری همه شهروندان در برابر قانون، استقلال دستگاه قضایی، بی‌طرفی و عاری از فساد بودن نیروی پلیس و مجریان قانون، حمایت از حقوق محرومان، وجود چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفانه، تضمین اجرای مؤثر قوانین در جامعه مطرح است.

۳-۲-۳. شایسته‌سالاری

شایسته‌گزینی، گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت باشد، این در اسلام خودش یک اصل است و تمام این تغییرها و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد بر اساس این است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۸/۶) شایسته‌سالاری، نظارت بر عملکرد زیر مجموعه و تلاش بی‌وقفه برای این خدمات، ویژگی حکومت کارآمد است. ثبات تشکیلات، زمان‌بندی و اجرایی کردن برنامه تدوین شده، پرورش عناصر کارآمد و مومن، سپردن سر رشته‌های اساسی به افراد شایسته و کاردان، اهتمام به مبارزه با فساد، باید مورد توجه باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۲).

برای سنجش عینی این مورد، شاخص‌هایی چون گزینش بر اساس معیارها و صلاحیت‌های واقعی، انتصاب افراد کاردان و مؤمن به سر رشته‌های اساسی، نظارت مستمر بر عملکرد زیرمجموعه، ثبات تشکیلات و زمان‌بندی برنامه‌ها، پرورش عناصر کارآمد، اهتمام به مبارزه با فساد، تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات مطرح است.

۳-۲-۴. نظارت حکومت و کارگزاران حکومتی

یکی از شاخص‌های دموکراسی و حکمرانی خوب و متعادل، سطح بالای نظارت پذیری است و بین نظارت پذیری و اصلاح، پویایی و کارآمدی هر نظام ارتباط و پیوند مستقیمی وجود دارد. ایجاد نهادهای ساز و استمرار نظام توازن و کنترل از شاخص‌های مهم حکمرانی خوب است. در دنیای پیچیده امروز هیچ نظامی نمی‌تواند بی‌توجه به نظارت باشد اما سطح نظارت پذیری از نظامی به نظام دیگر متفاوت است. هرچه نظارت پذیری بیشتر باشد اصلاحات و رفع خطاها بیشتر می‌شود و نظام می‌تواند مقتدرانه و با کارآمدی و پاسخگویی بیشتر به پیش رود.

شاخص‌هایی چون سطح بالای نظارت‌پذیری نظام، نهادهای ساز و استمرار نظام توازن و کنترل، وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر، پاسخگویی کارگزاران، اصلاح و رفع خطاها بر اساس بازخورد نظارت‌ها، اقتدار و کارآمدی نظام در سایه نظارت مطرح است.

۴. موانع تحقق پیشرفت سیاسی

۴-۱. تقلید و انفعال در برابر تمدن غربی

یکی از موانع پیشرفت سیاسی تقلید و انفعال در برابر تمدن غربی است، تمدن غرب در دو سده گذشته از برتری علمی و نظامی خود استفاده و برای سایر جوامع الگو پردازی کرده و موجب شده است که از ظرفیت داخلی استفاده نشود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۱) هر چند برخی از کشورها مقلد غرب و سازندگان تمدن مادی بوده و پیشرفت‌های صوری و سطحی هم داشته‌اند اما آنان مقلد و تمدن‌ساز نبوده و بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) در سال‌های قبل از انقلاب، سردمداران کشور با تقلید بی‌چون و چرا از غرب، عملاً از هرگونه خلاقیت، ابتکار و خودباوری شدند و دنیای صنعتی غرب با نگاه جهانگشایی و استعمارگرانه بر کشور مسلط شد و ملت ایران را از حرکت طبیعی خود در مسیر شکوفایی و پیشرفت علمی بازداشتند و ایرانی با استعداد به دنباله رو بی‌اراده غرب تبدیل شد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۵)

بعد از انقلاب اسلامی تأکید بر الگوهای داخلی مورد توجه مسئولان قرار گرفت اما همچنان گفتمان حاکم توسعه و پیشرفت تأکید بر الگوی غربی بود دستیابی به توسعه، رشد و پیشرفت علم و میدان رقابت‌آوازداندیشی و مورد توجه مسئولان و مردم بود، اما راه آن را در تقلید مطلق از الگوهای غرب جستجو می‌کردند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۲/۲۷) ایشان معتقد بودند همان راهی را که دول غربی رفتند ایران نیز باید نیز طی کند، هر چند نگاه این افراد به کشورهایی نظیر انگلیس، فرانسه و آلمان نبود بلکه الگوی خود را کره جنوبی می‌دیدند و عمل به سیاست‌های بانک جهانی، سیاست تعدیل، سیاست‌های مربوط به بعضی از معاهدات بین‌المللی یا کنوانسیون‌ها بر عدم پیشرفت واقعی سایه افکند؛ اما امروز نقشه‌ی پیشرفت غربی کشور در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، رد و بر اشتباه بودن آن تأکید شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۲/۱۴)

برای سنتز این مانع، شاخص‌هایی چون تقلید از الگوهای سیاسی، فرهنگی و توسعه‌ای غرب، بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، تضعیف خلاقیت، ابتکار و خودباوری ملی، وابستگی به الگوهای توسعه و سیاست‌گذاری غربی، پذیرش سیاست‌های تحمیلی نهادهای بین‌المللی بدون بومی‌سازی، غفلت از الگوی بومی و اسلامی پیشرفت و ضعف استقلال فکری و تمدنی در برنامه‌ریزی کشور مطرح است.

۲-۴. فقدان انسجام و عدم آگاهی در نظام اجتماعی

یکی از موانع اثرگذار بر پیشرفت سیاسی در ایران عدم توجه به انسجام و عدم آگاهی مطلوب در نظام اجتماعی است، همبستگی و انسجام اجتماعی مفهومی فرهنگی است که به مبارزه با تخیل گرایی و برداشت‌های غیر عملی پرداخته است. هر یک از عناصر تشکیل دهنده نظام اجتماعی در بقا، تداوم و انسجام ساخت آن سهم و مشارکتی جدی داشته باشند (دوورژه، ۱۳۶۷، ۲۵۴) انسجام برای پیشرفت سیاسی باید در همه ساختارهای یک واحد سیاسی، اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و علمی ایجاد شود؛ زیرا عدم ساختارها، زمینه عدم پیشرفت را فراهم می‌کند. انسجامی که در جهت قوام بخشیدن به درون باشد، آماده‌سازی داخلی و افزایش قوای درونی در مقابل هجوم خارجی را موجب می‌شود. (سریع القلم، ۱۳۷۳، ۱۰۳) هر نظام اجتماعی جهت حفظ، تداوم و استمرار باید به حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی پردازد، حضور جدی نهادهایی همچون مذهب، فرهنگ و خانواده در حفظ نظام ارزشی جامعه باید مورد توجه قرار گیرد. (بشیری، ۱۳۸۷، ۲۸۶)

عدم فهم مسئولان، نخبگان و قشرهای اثرگذار در شناخت مشکلات مردم، عدم فهم درست مسائل کشور، انقلاب، نشناختن محیط، عدم تشخیص دوست و دشمن و جبهه بندی‌ها از عناصر مهم عدم پیشرفت در کشور است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار رضوانی دانشجویان رمضان) وقتی محیط را نشناختیم احتمال خطا و اشتباه برآیمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم‌آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجاست، دوست کجا است، ممکن است سر اسلحه‌اش را به طرف دوست بگیرد، به خیال اینکه دارد به دشمن شلیک می‌کند؛ محیط را باید شناخت، جبهه‌بندی‌ها را باید دید، باید شناخت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۳/۸)

برای این مورد هم، شاخص‌هایی چون کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی، ضعف مشارکت و همکاری میان اجزای نظام اجتماعی، ناهماهنگی میان ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ضعف شناخت مسائل کشور و نیازهای مردم، فقدان بصیرت و آگاهی نسبت به شرایط داخلی و خارجی، ناتوانی در تشخیص دوست، دشمن و جبهه‌بندی‌ها و تضعیف نقش نهادهای هویت ساز مانند خانواده، فرهنگ و مذهب مطرح است.

۳-۴. ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست

از موانع اثرگذار در تحقق پیشرفت سیاسی ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست است. اسلام غیرسیاسی برگرفته از آموزه‌های مسیحیت در دوران رنسانس برنامه عملی استعمار در کشورهای مسلمان بوده است (رفیع‌پور، ۱۳۹۸، ۳۲۱) در ادبیات توسعه و پیشرفت، مذهب عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی مورد تأکید است و منجر به وحدت اجتماعی و حل مشکلات اجتماعی است. مذهب از طریق ایجاد گرایش‌های ذهنی وضع روانی مساعدی در راه توسعه ایجاد می‌کند. (روشه، ۱۳۸۴، ۷۹)

بعد از انقلاب اسلامی ایران نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سبب شده است که هدایت جامعه به سوی یک جامعه معطوف به خداوند و محفوظ نگاه داشتن جامعه از گرایش به سوی بی‌خدایی و یا سکولاریسم است، مهم‌ترین امتیازی که مدل ولایت فقیه می‌تواند در شرایط ایران داشته باشد، پیوند نظام سیاسی و اجتماعی است، دین به عنوان نقش اپوزسیون و نیروی سیاسی مخالف تبدیل به مرکز هویت دهنده و پیوند دهنده انسجام اجتماعی تبدیل شده و نظام سیاسی و اجتماعی دو نیروی تقویت کننده یکدیگر در جهت ساختن کشور تبدیل شوند.

اسلام سیاسی سرمنشاء تحرک مردمی است. راز دشمنی قدرت‌های مستکبر عالم را با علمای دین، علمای سیاسی به خاطر مخالفت آنان با استکبار است، اسلام سیاسی به دنبال ارزش‌های جدید و ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵، در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم) با ورود استعمار به ایران و مقابله نیروهای اجتماعی به رهبری رهبران دینی، استعمار به این نتیجه رسید که باید دین و سیاست از ایران جدا شود، زیرا در اغلب قضایای مهمی که در طول ۱۵۰ سال اخیر واقع شده حضور یک مرجع و عالم دینی شجاع، مبارز و سیاست شناس در میان بوده است. آیت الله خامنه‌ای بحث جدایی دین از سیاست را از اهداف مهم دانسته است در دوران استعمار به همه باورانده بودند که دین باید در محیط، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱/۱، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران رضوی) در حال حاضر نیز امریکا دشمن واقعی خود را تروریسم یا مسلمان ندانسته بلکه اسلام‌گرایی پایبند به اسلام، حاکمیت اسلام و تمدن اسلامی را دشمن خود می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی)

شاخص‌هایی چون گسترش تفکر سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، کاهش نقش دین در اداره جامعه و نظام سیاسی، تضعیف جایگاه ولایت فقیه در هدایت جامعه، کاهش نقش دین در ایجاد انسجام و هویت اجتماعی، تضعیف اسلام سیاسی و مشارکت دینی مردم، نفوذ اندیشه‌های سکولار و استعمارزده در عرصه سیاست و فاصله گرفتن از آرمان‌های جامعه و تمدن اسلامی مطرح است.

۵. پیامد پیشرفت حیات طیبه و دستیابی به تمدن نوین اسلامی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین پیامد پیشرفت سیاسی در نظام اسلامی، تحقق حیات طیبه و فراهم شدن زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. پیشرفت سیاسی هنگامی به کمال می‌رسد که با استقرار عدالت، مردم‌سالاری دینی، قانون‌گرایی، مشارکت عمومی و کارآمدی نظام، زمینه رشد مادی و معنوی انسان و جامعه را فراهم آورد. در چنین شرایطی، امنیت، استقلال، عزت ملی، انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی تقویت شده و بستر پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور فراهم می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۲۳۹) از سوی دیگر، حیات طیبه مفهومی فراتر از رفاه مادی است و زندگی مبتنی بر ایمان، عمل صالح، اخلاق، کرامت انسانی و آرامش اجتماعی را در بر می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۲۷۶) استمرار این فرایند، جامعه را به سمت تحقق جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی هدایت می‌کند؛ تمدنی که بر پایه توحید، عدالت، عقلانیت، معنویت، علم، آزادی مسئولانه و پیشرفت همه‌جانبه استوار است. در این نگاه، پیشرفت سیاسی صرفاً اصلاح ساختارهای حکومتی نیست، بلکه مقدمه‌ای برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی و دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی جامعه محسوب می‌شود. از این‌رو، پیشرفت سیاسی را می‌توان زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه و تمدن نوین اسلامی دانست که غایت آن، رشد همه‌جانبه انسان و جامعه در پرتو ارزش‌های الهی است. (رشاد، ۱۳۷۸، ۳۴۵)

نتیجه‌گیری

بررسی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که پیشرفت سیاسی فرایندی جامع و چندبعدی است که بر پایه جامعه‌ای پویا، تحول‌خواه و نظامی کارآمد شکل می‌گیرد. در این الگو، آزادی‌های مشروع، مشارکت آگاهانه مردم، عدالت محوری، قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری، نظارت مؤثر، رعایت حقوق

اجتماعی و سیاسی و تقویت نهادهای مردمی، مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق پیشرفت سیاسی هستند. تحقق این مؤلفه‌ها موجب افزایش مشروعیت، کارآمدی، انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و ارتقای سرمایه اجتماعی می‌شود. در مقابل، تقلید از الگوهای غربی، ضعف انسجام و آگاهی اجتماعی و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست، از مهم‌ترین موانع پیشرفت سیاسی به شمار می‌روند که خود باوری، هویت دینی و ملی و روند توسعه را تضعیف می‌کنند. از این رو، غلبه بر این موانع از طریق تقویت خود باوری، بصیرت، انسجام اجتماعی و حفظ پیوند دین و سیاست، شرط اساسی تحقق پیشرفت سیاسی است. در نهایت، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت سیاسی صرفاً اصلاح ساختارهای حکومتی نیست، بلکه زمینه ساز تحقق حیات طیبه، رشد همه جانبه جامعه و دستیابی به تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آقابخش، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات فرهنگی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران، مرکز انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۹). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۷). جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشرنی.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۷). فرهنگ، تهران، نشرنو.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۴). آزادی و ولایت در اندیشه سیاسی، تهران، دانشگاه مفید.
- خادمی، عاطفه (۱۳۹۸). مدل مفهومی زن در گفتمان انقلاب اسلامی: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای. زن در توسعه و سیاست، صص ۲۶۵-۲۷۳.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۹/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره).
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۴/۱/۳۰). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۲/۵/۱۵). در دیدار با مسئولان نظام.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۱/۶/۱). بیانات در دیدار با مبلغین به مناسبت ایام محرم.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۷/۶/۱۲). بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۸/۳/۱۲). بیانات در دیدار میهمانان داخلی و خارجی مراسم سالگرد امام خمینی (ره).
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۱/۹/۱۲). بیانات در خطبه نماز جمعه.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۱/۱۲/۱۳). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۵۷/۸/۱۹). بیانات در سخنرانی، ایران پس از سرنگونی شاه- ضروریات دوران مبارزه.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۷/۱۲/۴). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۶۹/۱۲/۲۱). بیانات در دیدار با مدیران و مسئولان بخش‌های خبری صدا و سیما.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۴/۴/۶). دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۰). بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۳/۵/۲۲). انتصاب مجدد آیت الله شاهرودی به ریاست قوه قضاییه.

- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱). گفتمان خدمت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۳/۱۲/۵). دیدار مهندسان و محققان فنی و صنعتی با رهبر انقلاب.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۷۸/۲/۱۴). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان رمضان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۷). تفکیک شیفتگان عدالت از فریفتگان قدرت، تهران، انتشارات دریا.
- دوورژه، موریس (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران.
- داستانی بیرکی، علی (۱۳۸۱). مروری بر اندیشه سیاسی - اجتماعی امام خمینی (ره)، تهران، نشر عروج.
- رضائیان، علی (۱۳۹۸). مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
- دایسی، آلبرت ون (۱۹۲۷). مقدمه‌ای بر مطالعه حقوق اساسی، لندن، انتشارات مک‌میلان.
- روشه، گی (۱۳۸۴). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، انتشارات نوین.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۸). دریغ اگر ایران ویران شود، تهران اندیشه نوین.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۶). روش تحقیق در علم سیاسی، تهران، انتشارات فروزان روز.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، تهران، بنیاد حکمت اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران، دانشگاه تهران.
- مارک، هنری پاول (۱۳۷۴). فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه: مسعود محمدی، تهران، وزارت امور خارجه.
- میر احمدی، منصور (۱۳۸۸). آزادی و ولایت فقیه در فقه سیاسی معاصر شیعه، علوم سیاسی، ۱ (۳)، ۷۵-۱۰۷.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۱). آزادی‌های شخصی و فکری، تهران، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- نظری، محمدعلی (۱۴۰۲). نظریه پیشرفت سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، رساله پست دکترا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.